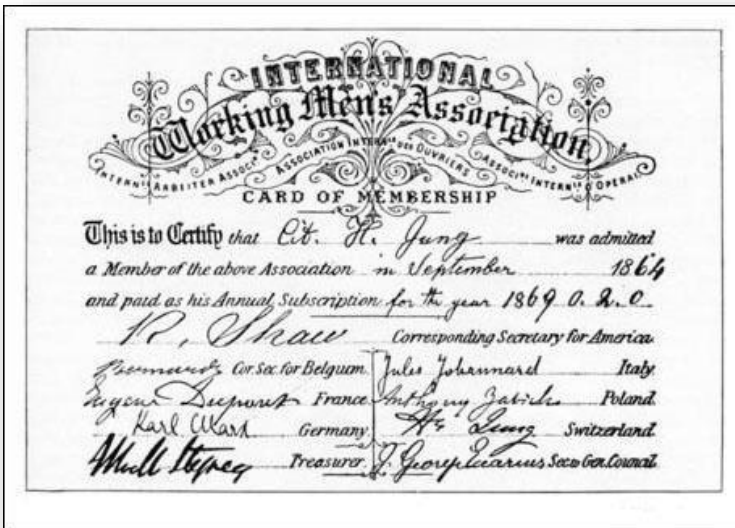


اسنادی از

فرایند تشکیل «انجمن بین‌المللی کارگران»

ترجمه‌ی کامران نیری



کارت عضویت در بین‌الملل اول «انجمن بین‌المللی کارگران»

مقدمه‌ی مترجم

«انجمن بین‌المللی کارگران» که به «بین‌الملل اول» معروف شد طی اجلاسی از کارگران و فعالان رادیکال از چند کشور اروپایی در تالار سنت‌مارتین شهر لندن در ۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴ تشکیل شد. «بین‌الملل اول» ۱۲ سال دوام آورد و به‌عنوان کانونی برای بحث و تبادل نظرات در جنبش کارگری جهت اتخاذ سیاست‌های کارگری بین‌المللی عمل کرد. «بین‌الملل اول» در مبارزات برای اصلاح حق رأی عمومی در انگلیس، برای کسب حقوق قانونی برای کارگران، در حمایت از موج اعتصابات که بعد از بحران ۱۸۶۶ به‌راه افتاد، در جهت ایجاد اتحادیه‌های کارگری در کشورهای گوناگون و در همبستگی با مبارزات توده‌ای - از مبارزات ضد برده‌داری در امریکا تا مبارزات استقلال طلبانه‌ی ملی در ایرلند و در لهستان تا کمون پاریس - شرکت داشت. سرانجام تعمیق اختلافات بین طرفداران نظریات مارکس و طرفداران نظریات باکونین، آنارشویست روسی، باعث شد که بین‌الملل در کنگره‌ی ۲۶ سپتامبر که در شهر لاهه هلند، با شرکت ۶۵ نماینده از کشورهای آلمان، انگلیس، اتریش، استرالیا، امریکا، بلژیک، پرتغال، دانمارک و سوئیس برگزار شد، به انشعاب کشیده شود. رهبری منتخب این کنگره که مقرش در نیویورک تعیین شده بود، در اجلاسی در شهر فیلادلفیا به تاریخ ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۶ به انحلال بین‌الملل رأی داد.

زمینه‌ی تاریخی

تشکیل بین‌الملل ناشی از یک سلسله شرایط تاریخی بود. در ابتدا، بین‌الملل در انگلیس پایه‌گذاری شد. چرا که این کشور خود در مسیر فرایندهای تاریخی به مهد سرمایه‌داری صنعتی تبدیل شده بود. اریک هابزبام تاریخ‌نگار صاحب‌نام با استناد به دادلی باکستر می‌گوید که در سال ۱۸۶۷ از ۲۴ میلیون جمعیت بریتانیای کبیر ۷۷ درصد را «طبقه‌ی کارگری که به کار یدی مشغول است» تشکیل می‌داد.^۱ دادلی باکستر کارمندان، مغازه‌داران و فروشندگان، سرپرستان کارگران و مباشرین

^۱ اریک هابزبام، صنعت و امپراطوری، ترجمه عبدالله کوثری، چاپ اول انتشارات ماهی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷

سرمایه‌داران را جزء «طبقه‌ی متوسط» به‌شمار آورده بود. در نتیجه رویارویی طبقاتی بین بورژوازی و پرولتاریا اولین شواهد مستمرش را در این کشور به منصف ظهور گذارد. چارتیسم، جنبش سیاسی کارگران بریتانیای کبیر که در طی دهه‌های ۱۸۳۰ تا اوایل دهه‌ی ۱۸۵۰ حول شعار «منشور مردم» برای تحقق خواست‌هایی چون حق رأی (برای مردان) مبارزه می‌کرد - اولین جنبش سیاسی طبقه‌ی کارگر در تاریخ است. در انگلستان طیف بزرگی از رهبران کارگری بودند که به چشم‌انداز مبارزه‌ی طبقاتی به معنی یک اصل مبارزاتی و همچنین یک عامل تاریخی دست یافته بودند. به همین سبب در انگلستان بود که طیف وسیعی از کارگران با اولین ادراک از مهم بودن همبستگی انترناسیونالیسم پرولتری آشنا و به نیاز به عمل سیاسی متحد و همبسته علیه سرمایه‌داری واقف شدند.

بر این اساس بود که پیشگامان جنبش کارگری متشکل شدند. بین سال‌های ۱۸۴۵ تا ۱۸۶۴ اقدامات متعددی برای ایجاد تشکل‌های طبقه‌ی کارگر انجام شد. به‌عنوان مثال، سه نمونه‌ی عمده را می‌توان برشمرد. به سال ۱۸۴۵، جولیان هارنی در لندن «جامعه‌ی دموکرات‌های برادر» را ایجاد کرد. در آن سال‌ها لندن مرکز پناه‌جویان سیاسی اروپا بود و این‌ها نیز در ایجاد این تشکل نقش ایفا کردند. هم‌گرایی کارگران کمونیست که در «انجمن عادلان» متشکل بودند با مارکس و انگلس به سال ۱۸۴۷ «انجمن کمونیست» را به‌وجود آوردند و برای اولین بار مبارزان کارگری را با برنامه و استراتژی سوسیالیستی انقلابی مسلح کرد که زمینه‌ساز مبارزه برای حکومت کارگری شد. ارنست جونز، از رهبران چارتیست‌ها، «کمیته‌ی بین‌المللی کارگران» را در لندن به وجود آورد و طی سال‌های حاکمیت ارتجاعی ۱۸۵۰ با برگزاری جلسات بزرگ خیابانی تلاش‌های کارگری را زنده نگه‌داشت. این عوامل در اواخر دهه‌ی ۱۸۵۰ با یک سری رویدادهای تاریخی ترکیب شدند و به احیای جنبش کارگری کمک کردند.

از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی می‌توان از بحران اقتصادی ۱۸۵۷، که عمیق‌ترین بحران در قرن نوزدهم بود، جنگ استقلال ایتالیا به سال ۱۸۵۹ و جنگ داخلی ایالات متحده که در سال ۱۸۶۰-۱۸۶۱ آغاز شد نام برد. تأثیر این رویدادها بر انگلستان،

فرانسه، و کشورهای اروپایی که در مسیر صنعتی شدن بودند، چشم‌گیر بود. در فرانسه دیکتاتوری ناپلئون تضعیف شد و کارگران فرانسوی توانستند حق شرکت در انتخابات را به‌دست آورند، سندیکا بسازند و در شرایط کار بهبود ایجاد کنند. اما مهم‌ترین تحولات در انگلستان رخ داد. اگرچه کارگران حق ایجاد اتحادیه‌های کارگری را در سال ۱۸۲۵ به دست آورده بودند، اما توده‌ی زحمتکشان کماکان حق رأی نداشت. درعین حال فرایند توسعه‌ی روابط سرمایه‌داری در قاره‌ی اروپا و صنعتی شدن چند کشور امکان رقابت کارگرانی را که دستمزدی ناچیز دریافت می‌کردند با کارگران انگلیسی مطرح می‌کرد. زمانی که کارگران انگلیسی برای افزایش دستمزد یا کاهش ساعات کار مبارزه می‌کردند، سرمایه‌داران تهدید به استفاده از کارگران فرانسوی، بلژیکی یا آلمانی می‌کردند! از جانب دیگر جنگ داخلی در آمریکا به تحریم صدور پنبه از آن کشور انجامید که صنعت نساجی انگلستان را فلج و کارگران بسیاری را به بیکاری کشید. این اوضاع اتحادیه‌های کارگری انگلیس را دستخوش تحول کرد و جنبشی به نام «اتحادیه‌گرایی نوین» متشکل از رهبران مبارزی از اصناف متعدد چون کارگران فنی (انجینیر)، لوله‌کش‌ها، بناها و کفاش‌ها به‌وجود آمد این جنبش به چشم‌انداز مبارزه‌ی سیاسی از جانب اتحادیه‌های کارگری دست یافت و خواهان شرکت فعال در بحث و ارائه‌ی نظر پیرامون سیاست داخلی و خارجی بود. رهبران این جنبش تظاهرات بزرگی را برای کسب حق رأی عمومی (برای مردان) و علیه توطئه‌ی نخست‌وزیر پالمرسون، که خواهان حمایت از برده‌داران جنوب در جنگ داخلی آمریکا بود، سازمان دادند و جلسه‌ی خوش‌آمدی به سال ۱۸۶۴ در لندن برای جنبش استقلال طلب ایتالیا، جوزپه مازینی برپا کردند.

اعلام ایجاد بین‌الملل

یکی از نتایج سیاسی بیداری کارگران انگلیسی و فرانسوی احیای ایده‌ی انترناسیونالیسم بود. رهبران کارگران در این دو کشور طی بازدید هیأت نمایندگی کارگران فرانسه از نمایشگاه جهانی در لندن به سال ۱۸۶۲، با یکدیگر دیدار و مذاکره کردند. به‌دنبال توطئه‌ی مشترک فرانسه، انگلیس و روسیه علیه قیام استقلال طلبانه‌ی

لهستانی‌ها به سال ۱۸۶۳، این تماس‌ها از طریق مکاتبه ادامه یافت. سرانجام جلسه‌ی مشترکی از هیأت نمایندگی کارگران انگلیس و فرانسوی در تالار سنت مارتین لندن در ۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴ برگزار شد که در آن نمایندگانی از تشکل‌های کارگری و دموکرات‌گروه‌های مهاجر و پناهنده از کشورهای مختلف نیز حضور داشتند. ماحصل گفتگوهای این نشست توافقی جمعی برای اعلام وجود «انجمن بین‌المللی کارگران» بود. در همین نشست، بدنه‌ای به‌عنوان «کمیته» انتخاب شد که موظف به تدوین آیین‌نامه‌ای برای این تشکل جدید شد. که با اولین کنگره‌ی بین‌الملل که قرار شد در سال ۱۸۶۵ در بروکسل برگزار شود، برای بحث و تصویب تقدیم شود.

حاضران در این نشست تاریخی زمینه‌های سیاسی گوناگون داشتند: انگلیسی‌های طرفدار اوون، چارتیست‌ها، فرانسویان طرفدار پرودون (ژوزف پی‌یر پرودون ۱۸۰۹-۱۸۶۵، نویسنده و اقتصاددان و جامعه‌شناس فرانسوی و از بنیان‌گذاران آنارشیسم)، بلانکیست‌ها، ملی‌گرایان ایرلندی و لهستانی، طرفداران مازینی (جوزپه مازینی ۱۸۰۵-۱۸۷۲، انقلابی دموکرات ایتالیایی و رهبر جنبش آزادی‌بخش ملی آن کشور که به مقام رهبری حکومت موقت «جمهوری روم» در سال ۱۸۴۹ رسید) و سوسیالیست‌های آلمانی. در نتیجه، چشم‌انداز مشترکی برای بین‌الملل وجود نداشت.

رهبران کارگران از لندن، خواهان یک تشکل بین‌المللی از اتحادیه‌های کارگری بودند که دستمزدها را تنظیم کند، ساعات کار را تقلیل دهد و اعتصابات را هماهنگ سازد. نمایندگانی که از پاریس آمده بودند، امیدوار بودند که بین‌الملل به ایجاد تفاهم طبقاتی کمک کند و به تشکلی برای اعطای اعتبار مالی بدون بهره و گسترش تعاونی‌ها تبدیل شود. تنها یوهان گئورگ اکاریوس خیاط آلمانی مقیم لندن که به پیشنهاد کارل کارکس به جلسه دعوت شده بود و به نمایندگی از جانب کارگران آلمان سخن می‌گفت، اظهار امیدواری کرد که بین‌الملل به تشکل پرولتری انقلابی که علیه نظام استثمارگر موجود مبارزه کند تبدیل شود. مارکس که به دعوت ویکتور لولوب، جمهوری‌خواه رادیکال فرانسوی مقیم لندن، به‌عنوان نماینده‌ای از جانب کارگران آلمانی به جلسه دعوت شده بود - به‌گفته‌ی انگلس - امیدوار بود که بین‌الملل به انجمن کارگری جهانی بدل شود که «خصیصه‌ی بین‌المللی جنبش

سوسیالیستی را هم به خود کارگران و هم به بورژواها و حکومت‌ها نشان دهد، تا کارگران تشویق و تقویت شوند و در دل دشمن وحشت بیفتند.^۱

نقش مارکس

شکست انقلاب‌های ۱۸۴۸ انحلال «اتحادیه‌ی کمونیستی» را قطعی کرد. مارکس و انگلس چشم‌انتظار تحولات سیاسی مطلوب و احیای جنبش کارگری، سال‌های ارتجاع را به کارهای پژوهش گذراندند. زمانی که «کمیته‌ی بین‌المللی کارگران» به ابتکار ارنست جونز شکل گرفت مارکس به دوستانش در امریکا در نامه‌ای چنین نوشت: «اگرچه طی این سال‌ها مرتب از شرکت در هر "تشکلی" سر باز زده‌ام، این بار (این دعوت) را می‌پذیرم. چرا که امکان فعالیت واقعی مثبت وجود دارد.»^۲ با انباشت شواهد احیای جنبش کارگری انقلابی، مارکس در تاریخ ۱۳ فوریه ۱۸۶۳ به انگلس نوشت: «اکنون عصر انقلاب‌ها در اروپا دوباره آغاز شده است»^۳

مارکس که در جلسه‌ی ۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴ بنا به قول خودش «چهره‌ای ساکت در سکوی خطابه» بود به‌اعتبار فعالیت‌های کارگری - سوسیالیستی‌اش به عضویت در «کمیته» انتخاب شد. نام این بدنه‌ی رهبری بین‌الملل بعداً به «شورای مرکزی» و سپس به «شورای عمومی» تغییر یافت و مارکس و اکاریوس تنها افراد حاضر در جلسه‌ی اعلام وجود بین‌الملل بودند که در این بدنه‌ی رهبری تا به آخر حضور داشتند.

در ابتدای کار مارکس مطلع شد که او را برای کمیسیون تدوین آیین‌نامه‌ی بین‌الملل نیز انتخاب کرده‌اند. در نتیجه زمانی که مارکس موفق به شرکت در جلسه‌ی کمیسیون شد، جان وستون از طرفداران اوون «ساسنامه» بلندبالایی را آماده کرده بود و آیین‌نامه‌ای هم به قلم لوئیجی ولف از هواداران مازینی در دست بود. پس از مدتی بحث ویکتور لولوب مأمور شد تا دو سند را درهم ادغام کند. در نامه‌ای به تاریخ ۱۲

Engels, F. "collected works", vol. ۲۴, p. ۱۹۰

Mehring, F. "Karl Marx", p. ۱۴۴

^۳ Marx and Engels, selected Correspondence, p. ۱۴۴

اکتبر ۱۸۶۴، اکاریوس از مارکس خواست که پا پیش گذارد و در تدوین اسناد پایه‌ای بین‌الملل شرکت فعال کند. اما زمانی که مارکس برای اولین بار در جلسه‌ی «کمیته» به تاریخ ۱۸ اکتبر ۱۸۶۴ شرکت کرد، طرح لولوب مورد بحث بود. مارکس این طرح را «مملو از کلیشه» و «جانيفتاده» که «افکار مازینی از آن ساطع است» و «پوسته‌ای از بی‌محتواترین سوسیالیسم فرانسوی» بر آن نشسته است، ارزیابی کرد.^۱ در جلسه‌ی ۱۸ اکتبر مارکس این طرح را مورد نقد مؤدبانه‌ای قرار داد و جلسه آن را برای ویرایش نهایی به کمیسیون برگرداند. در جلسه‌ی کمیسیون که در ۲۰ اکتبر در منزل مارکس برگزار شد و در آن ویلیام کریمر اتحادیه‌گر انگلیسی، لولوب و گیوپ فانتانا ایتالیایی نیز شرکت دارند به پیشنهاد مارکس به بحث مفاد ۴۰ گانه‌ی آیین‌نامه می‌پردازند. جلسه به پیشنهاد کریمر و توافق همگی از مارکس می‌خواهد این متن را ویرایش کند و توصیه می‌کند که جلسه‌ی بعدی کمیسیون در ۲۷ اکتبر تشکیل شود و متن نهایی دراول نوامبر به «کمیته» ارائه شود. مارکس طرح لولوب را اساساً از نو نوشت. درواقع تنها باقی‌مانده از طرح قبلی در متن آیین‌نامه‌ای که مارکس نوشت نام تشکیلات جدید و تاریخ و مکان برگزاری کنگره‌ی آغازین بین‌الملل بود. به‌علاوه، مارکس طرح دیگری را تحت عنوان «نطق افتتاحیه‌ی انجمن بین‌المللی کارگران» تهیه کرد که قبلاً از طرف کمیسیون یا «کمیته» پیش‌بینی نشده بود. دو طرح پیشنهادی مارکس

^۱ سه سند از منابع زیر برگرفته و ترجمه شده است.

- «آیین‌نامه‌ی موقت انجمن بین‌المللی کارگران» از کلیات مارکس و انگلس جلد ۲۰ صص ۱۴-۱۶
- «آیین‌نامه» از «آیین‌نامه و مقررات انجمن بین‌المللی کارگران» از کلیات مارکس و انگلس جلد ۲۰ صص ۴۴۱-۴۴۱
- گزارشی از سخنرانی کارل مارکس به مناسبت هفتمین سالگرد انجمن بین‌المللی کارگران» از جلد ۲۲، کلیات مارکس و انگلس صص ۶۳۳-۶۳۴
- ناشر کلیات مارکس و انگلس به زبان انگلیسی، انتشارات «پروگرس» است.

در جلسه‌ی کمیسیون بحث و تصویب شدند. در اول نوامبر ۱۸۶۴ «کمیته» این اسناد را بررسی و به اتفاق آرا تصویب کرد.

در ادامه، متن «آیین‌نامه‌ی موقت انجمن» به قلم مارکس در دسترس خواننده قرار دارد. این متن اولین بار به صورت جزوه‌ای تحت عنوان «خطابه و آیین‌نامه‌ی موقت انجمن بین‌المللی کارگران» در نوامبر ۱۸۶۴، در لندن به زبان انگلیسی چاپ شد. در ادامه «آیین‌نامه و مقررات اداری انجمن بین‌المللی کارگران» و همچنین گزارشی از سخنرانی کارل مارکس به مناسبت هفتمین سالگرد انجمن بین‌المللی کارگران به فارسی برگردانده شده است. این گزارش در نشریه‌ی «د-ورلد» (جهان) به تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۸۷۱ چاپ شد و تنها منبعی است که سخنرانی مارکس در این مراسم را منعکس کرد.

گفتنی است که متون متفاوتی از آیین‌نامه به زبان‌های مختلف وجود دارد که شامل اشتباهاتی در ترجمه و گاه تعمد در تغییر آیین‌نامه هستند. این تفاوت‌ها گاه باعث اختلافاتی نیز شده که پرداختن به آنها از حوصله‌ی این یادداشت خارج است.

سند یکم

آیین‌نامه‌ی موقت انجمن بین‌المللی کارگران / کارل مارکس

با توجه به این که:

- رهایی طبقات کارگر باید به دست خود طبقات کارگر انجام شود، که مبارزه برای رهایی طبقات کارگر نه به معنی مبارزه برای امتیازات و انحصارات طبقاتی بلکه برای حقوق و وظایف مساوی و لغو هرگونه سلطه‌ی طبقاتی است.
- انقیاد فرد کارگر به دست انحصارکنندگان ابزار کار، یعنی انحصارکنندگان منابع حیات، علت اصلی هر شکل بردگی و هر بدبختی اجتماعی، تحقیر روانی و وابستگی سیاسی است.
- بنابراین رهایی اقتصادی طبقات کارگر هدف بزرگی است که هر جنبش سیاسی می‌باید به‌عنوان وسیله‌ای تحت‌الشعاع آن قرار گیرد.

- همه‌ی تلاش‌ها برای دستیابی به این هدف بزرگ تاکنون به دلیل فقدان همبستگی در بین بخش‌های گوناگون کارگران هر کشور و فقدان پیوند برادرانه‌ی اتحاد بین طبقات کارگر کشورهای مختلف با نا کامی روبه‌رو شده است.

- رهایی کار نه یک مسئله‌ی محلی یا ملی که مسئله‌ای است اجتماعی که همه‌ی کشورهای دارای جوامع مدرن را دربر می‌گیرد و برای حل آن به همسازی عملی و نظری در بین کشورهای پیشرفته نیاز است.

- احیای کنونی طبقات کارگر در صنعتی‌ترین کشورهای اروپایی در عین حال که امید جدیدی را به همراه دارد علیه تکرار اشتباهات گذشته هشدار خطیر می‌دهد و نیاز ترکیب فوری جنبش‌های هنوز پراکنده را مطرح می‌کند.

به این دلایل:

امضاکنندگان ذیل که عضو کمیته‌ای هستند که اختیاراتش از مصوبه‌ی جلسه‌ی ۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴ در تالار سنت مارتین لندن ناشی می‌شود، گام‌های لازم را برای تأسیس «انجمن بین‌المللی کارگران» برداشتند.

آنان اعلام می‌کنند که این «انجمن بین‌المللی» و همه‌ی مجامع و افراد هوادار آن حقیقت، عدالت و اخلاقیات را پایه‌ی رفتار خود نسبت به یکدیگر و نسبت به همه‌ی انسان‌ها بدون در نظر گرفتن رنگ پوست، اعتقادات یا ملیت قرار می‌دهند.

آنان وظیفه‌ی هر انسان می‌دانند که خواهان حقوق انسانی و شهروندی، نه صرفاً برای خویش که برای هر انسانی باشد که به وظیفه‌ی خود عمل می‌کند. هیچ حقوقی بدون وظیفه و هیچ وظیفه‌ای بدون حقوق (نیست)

و با همین روحیه، آنان آیین‌نامه‌ی موقت زیر را برای «انجمن بین‌المللی» تدوین کردند.

۱- انجمن (بین‌المللی کارگران) به‌عنوان مرکز ارتباطات و همکاری مابین جوامع کارگران موجود که در کشورهای متعددی به دنبال اهداف یکسانی هستند، در جهت حفاظت از طبقات کارگر و پیشرفت و رهایی کامل آنان عمل می‌کند.

۲- نام این جامعه «انجمن بین‌المللی کارگران» خواهد بود.

۳- «کنگره‌ی عمومی کارگران» با شرکت نمایندگان همه‌ی مجامع کارگری که به «انجمن بین‌المللی» پیوسته‌اند در بلژیک به سال ۱۸۶۵ برگزار خواهد شد. در برابر اروپا، کنگره آمال مشترک طبقه‌ی کارگر را اعلام خواهد کرد؛ آیین‌نامه دایم «انجمن بین‌المللی» را تصویب خواهد کرد؛ ابزار و طرق لازم برای موفقیت در فعالیت‌هایش را بررسی خواهد کرد؛ و «شورای مرکزی انجمن» را تعیین خواهد کرد.

۴- مقرر «شورای مرکزی» لندن خواهد بود و (این بدنه) از کارگرانی از کشورهای گوناگون که در «انجمن بین‌المللی» حضور دارند، تشکیل خواهد شد. «شورای مرکزی» از بین اعضایش مسئولین لازم را برای انجام فعالیت‌هایش، چون یک رئیس، یک خزانه‌دار، یک دبیرکل و دبیران ارتباط با کشورهای گوناگون و غیره را انتخاب خواهد کرد.

۵- «کنگره‌ی عمومی» در جلسات سالانه‌اش، بیان علنی فعالیت‌های مالی «شورای مرکزی» را دریافت خواهد کرد. «شورای مرکزی» که هر سال توسط کنگره تعیین می‌شود این اختیار را خواهد داشت که به تعداد اعضایش بیفزاید. در شرایط اضطراری، «شورای مرکزی» می‌تواند «کنگره‌ی عمومی» را زودتر از موقع مقرر برگزار کند.

۶- «شورای مرکزی» به‌مثابه یک بدنه‌ی بین‌المللی از میان گروه‌های ملی و محلی «انجمن بین‌المللی کارگران» تشکیل می‌شود تا کارگران در یک کشور به‌طور دایم از حرکت طبقه‌شان در دیگر کشورها باخبر شوند؛ تا کندوکاو در شرایط اجتماعی کشورهای مختلف اروپا به‌طور هم‌زمان انجام و به‌طور یکسان هدایت شود؛ تا مسایل مورد بحث در یک کشور که مورد علاقه‌ی عمومی است از جانب همه به بحث گذارده شود. به‌عنوان مثال در درگیری‌های بین‌المللی، «مجامع» پیوسته بتوانند هم‌زمان و

یکسان عمل کنند. هر زمان که مناسب به نظر آید، «شورای مرکزی» در ارائه‌ی پیشنهادها به مجامع ملی و محلی پیش قدم خواهد شد.

۷- از آن رو که موفقیت جنبش کارگران در هر کشور بدون قدرت ناشی از اتحاد و الحاق آنان با یکدیگر میسر نمی‌شود و از آن جا که ثمربخشی «شورای مرکزی بین‌الملل» آشکارا ناشی از این است که آیا با چند مرکز از انجمن‌های کارگری در یک کشور سروکار دارد و یا با تعداد زیادی مجامع محلی و پراکنده.

اعضای «بین‌الملل» تا سرحد امکان خواهند کوشید تا در هر کشوری که در آن فعال هستند مجامع پراکنده‌ی کارگری را در بدنه‌های سراسری (کشوری) که توسط ارگان‌های محلی و مرکزی نمایندگی می‌شوند، ادغام کنند. به هر حال، آشکار است که انجام آن امر در گرو قوانین حاکم بر هر کشور و این امر است که صرف‌نظر از موانع قانونی، هیچ مجمع ملی مستقلی از تماس مستقیم با «شورای مرکزی» لندن منع نخواهد شد.

۸- تا زمان برگزاری اولین کنگره، کمیته‌ی برگزیده در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴ به‌عنوان «شورای مرکزی موقت» فعالیت خواهد کرد تا انجمن‌های ملی کارگران را به هم مربوط سازد، اعضایش در «پادشاهی متحد» (انگلیس، ولز، اسکاتلند و ایرلند) را ثبت‌نام کند، اقدامات تدارکاتی جهت برگزاری «کنگره‌ی عمومی» را به انجام رساند و یا با مجامع ملی و محلی در مورد مسایل اساسی که باید پیش روی کنگره قرار گیرد به گفت‌وگو بپردازد.

۹- هرگاه عضوی از «انجمن بین‌الملل»، محل اقامت خود را از کشوری به کشور دیگر تغییر دهد از حمایت برادرانه‌ی «انجمن بین‌المللی کارگران» برخوردار خواهد شد.

۱۰- مجامع کارگرانی که به «انجمن بین‌المللی» می‌پیوندند در عین حفظ پیوند مداوم همکاری برادرانه، تشکل‌های موجود را دست‌نخورده حفظ خواهند کرد.

سند دوم

«آیین‌نامه و مقررات اداری انجمن بین‌المللی کارگران»

«آیین‌نامه»

با توجه به این که:

- رهایی طبقات کارگر باید به دست خود طبقات کارگر انجام شود، که مبارزه برای رهایی طبقات کارگر نه به معنی مبارزه برای امتیازات و انحصارات طبقاتی بلکه برای حقوق و وظایف مساوی و لغو هرگونه سلطه‌ی طبقاتی است.

- انقیاد فرد کارگر به دست انحصارکنندگان ابزار کار، یعنی انحصارکنندگان منابع حیات، علت اصلی هر شکل بردگی و هر بدبختی اجتماعی، تحقیر روانی و وابستگی سیاسی است.

- بنابراین رهایی اقتصادی طبقات کارگر هدف بزرگی است که هر جنبش سیاسی می‌باید به‌عنوان وسیله‌ای تحت‌الشعاع آن قرار گیرد.

- همه‌ی تلاش‌ها برای دستیابی به این هدف بزرگ تاکنون به‌دلیل فقدان همبستگی در بین بخش‌های گوناگون کارگران هر کشور و فقدان پیوند برادرانه‌ی اتحاد بین طبقات کارگر کشورهای مختلف با نا کامی روبه‌رو شده است.

- رهایی کار نه یک مسئله‌ی محلی یا ملی که مسئله‌ای است اجتماعی که همه‌ی کشورهای صاحب جوامع مدرن را دربر می‌گیرد و برای حل آن به همسازی عملی و نظری در بین کشورهای پیشرفته نیاز است.

- احیای کنونی طبقات کارگر در صنعتی‌ترین کشورهای اروپایی در عین حال که امید جدیدی را به همراه دارد علیه تکرار اشتباهات گذشته هشدار خطیر می‌دهد و نیاز ترکیب فوری جنبش‌های هنوز پراکنده را مطرح می‌کند.

به این دلایل:

اولین کنگره‌ی بین‌المللی کارگران اعلام می‌کند که این انجمن بین‌المللی و همه‌ی مجامع و افراد هوادار آن حقیقت و اخلاقیات را پایه‌ی رفتار خود نسبت به یکدیگر و نسبت به همه‌ی انسان‌ها بدون در نظر گرفتن رنگ پوست، اعتقادات یا ملیت قرار می‌دهند.

این کنگره وظیفه‌ی هر انسان می‌دانند که خواهان حقوق انسانی و شهروندی، نه صرفاً برای خویش که برای هر انسانی باشد که به وظیفه‌ی خود عمل می‌کند. هیچ حقوقی بدون وظیفه و هیچ وظیفه‌ای بدون حقوق (نیست).

و با همین روحیه، آنان آیین‌نامه‌ی موقت زیر را برای «انجمن بین‌المللی» تدوین کرده‌اند.

۱- انجمن (بین‌المللی کارگران) به‌عنوان مرکز ارتباطات و همکاری مابین جوامع کارگران موجود که در کشورهای متعددی به دنبال اهداف یکسانی هستند، در جهت حفاظت از طبقات کارگر و پیشرفت و رهایی کامل آنان عمل می‌کند.

۲- نام این جامعه «انجمن بین‌المللی کارگران» خواهد بود.

۳- «شورای عمومی» از کارگران کشورهای گوناگون که در «انجمن بین‌المللی» حضور دارند، تشکیل خواهد شد. «شورای عمومی» از بین اعضایش مسئولین لازم برای فعالیت‌هایش، چون یک رئیس، یک خزانه‌دار، یک دبیرکل و دبیران ارتباط با کشورهای گوناگون و غیره را انتخاب خواهد کرد. کنگره مقرر «شورای عمومی» را برای یک سال تعیین می‌کند. تعدادی از اعضای آن را انتخاب می‌کند با این اختیار که بتوانند بر تعداد اعضای این بدنه بیفزایند و مکان و زمان برگزاری کنگره‌ی بعد را معین می‌کند. نمایندگان منتخب بدون هیچ‌گونه دعوت ویژه‌ای در زمان و مکان تعیین شده (برای شرکت در کنگره) حضور خواهند یافت. در صورت نیاز «شورای عمومی» می‌تواند مکان کنگره را تغییر دهد اما قدرت تعویق زمان برگزاری کنگره را ندارد.

۴- «کنگره‌ی عمومی» در جلسات سالانه‌اش، بیلان علنی فعالیت‌های مالی «شورای عمومی» را دریافت خواهد کرد و در صورت اضطرار «شورای عمومی» می‌تواند «کنگره‌ی عمومی» را زودتر از موقع مقرر برگزار کند.

۵- «شورای عمومی» به‌عنوان عاملی بین‌المللی در میان انجمن‌هایی که با یکدیگر تعاون دارند تشکیل خواهد شد تا کارگران در یک کشور به‌طور دائم از حرکت کارگران در دیگر کشورها با خبر شوند؛ تا کندو کاو در شرایط اجتماعی کشورهای مختلف اروپا به‌طور هم‌زمان و به‌طور یکسان هدایت شوند؛ تا مسایل مورد بحث در یک کشور که مورد علاقه‌ی عمومی است از جانب همه به بحث گذارده شود، به‌عنوان مثال در درگیری‌های بین‌المللی مجامع پیوسته بتوانند هم‌زمان و یکسان عمل کنند. هرزمان که مناسب به نظر آید «شورای عمومی» در ارائه‌ی پیشنهادهای به مجامع ملی و محلی پیش‌قدم خواهد شد.

برای تسهیل ارتباطات، «شورای عمومی» به‌طور متناوب گزارش‌هایی را نشر خواهد داد.

۶- از آن‌رو که موفقیت جنبش کارگری در هر کشور بدون قدرت ناشی از اتحاد و الحاق آنان با یکدیگر میسر نمی‌شود و از آن‌جا که ثمربخشی «شورای عمومی بین‌المللی» به‌طرزی آشکار ناشی از این است که آیا با چند مرکز از انجمن‌های کارگری در یک کشور سروکار دارد و یا با تعداد زیادی مجامع محلی کوچک و پراکنده، اعضای «بین‌المللی» تا سرحد امکان خواهند کوشید تا مجامع پراکنده‌ی کارگری را در هر کشوری که در آن فعال هستند در بدنه‌های سراسری (کشوری) که توسط ارگان‌های ملی و مرکزی نمایندگی می‌شوند، ادغام کنند. به‌هرحال، آشکار است که انجام این امر در گرو قوانین حاکم بر هر کشور و این امر است که صرف‌نظر

از موانع قانونی، هیچ مجمع ملی مستقلی از تماس با «شورای عمومی» منع نخواهد شد.

۷- شعبه‌ها و بخش‌ها در حوزه‌ی فعالیت خود تا آن‌جا که نفوذ دارند، نه تنها در همه‌ی مواردی که به پیشرفت کلی حیات اجتماعی یاری می‌رساند، بلکه هم‌چنین در ایجاد انجمن‌های مولد و دیگر نهادهایی که برای طبقه‌ی کارگر مفید باشند ابتکار عمل را به دست خواهند گرفت.

۸- هرگاه عضوی از «انجمن بین‌المللی» محل اقامت خود را در کشوری به کشور دیگر تغییر دهد از حمایت برادرانه‌ی «انجمن بین‌المللی کارگران» برخوردار خواهد شد.

۹- هرکس اصول «انجمن بین‌المللی کارگران» را به رسمیت بشناسد. از آن حمایت کند شرایط عضویت در آن را حایز است. هر بخشی مسئول راستی و درستی اعضای است که می‌پذیرد.

۱۰- هر بخش یا شعبه حق انتخاب دبیر ارتباطات خود را دارد.

۱۱- مجامع کارگرانی که به «انجمن بین‌المللی» می‌پیوندند در عین حفظ پیوند مداوم همکاری برادرانه، تشکل‌های موجود خود را دست نخورده حفظ خواهند کرد.

۱۲- هر آن‌چه که در آیین‌نامه‌ی حاضر نیامده است از طریق مقررات ویژه‌ای که منوط به تجدیدنظر در هر کنگره هستند، تأمین خواهد شد.

سند سه:

گزارشی از سخنرانی کارل مارکس به مناسبت هفتمین سالگرد

انجمن بین‌المللی کارگران (۲۴ اکتبر ۱۸۷۱)

او (مارکس) گفت که موفقیت بزرگ ناشی از فعالیت‌های تائکنونی بین‌الملل (انجمن بین‌المللی کارگران) ناشی از شرایطی است که از کنترل اعضایش خارج بوده است (حتی) پایه‌گذاری بین‌الملل ناشی از این شرایط بود و نه به‌هیچ‌وجه به دلیل فعالیت مردانی که درگیر آن بودند. بین‌الملل حاصل فعالیت هیچ گروهی از سیاستمداران زیرک نبود؛ (چرا که) همه‌ی سیاستمداران جهان نیز نمی‌توانستند شرایط لازم برای موفقیت بین‌الملل را فراهم آورند. بین‌الملل آیین خاصی را پیشنهاد نکرد؛ وظیفه‌اش متشکل کردن نیروهای کارگری و اتصال جنبش‌های کارگران و ادغام آنان بود. راز موفقیت بین‌الملل در شرایطی نهفته بود که ستم دیده‌گی هرچه بیش‌تر مردم کارگر در سراسر جهان را آشکار ساخت و توسعه‌ی چشم‌گیر آن را باعث می‌شد. وقایع چند هفته‌ی گذشته به طرز بارزی به طبقه‌ی کارگر نشان داد که باید برای رهایی (خویش) مبارزه کند. پی‌گرد بین‌الملل توسط حکومت‌ها همانند آزار و اذیت مسیحیان اولیه، به دست روم باستان است. ستم‌گری امپراتوری روم را نجات نداد. آزار و اذیت بین‌الملل نیز باعث نجات نظم موجود نخواهد شد.

نوآوری بین‌الملل در این بود که به‌دست خود کارگران و برای خود آنان انجام شده است. پیش از ایجاد بین‌الملل، عده‌ای رادیکال که از میان طبقات حاکم برخاسته بودند، همه‌ی سازمان‌های متعدد را برای طبقات کارگر تأسیس کرده بودند. اما بین‌الملل توسط خود کارگران و برای خود آنان به وجود آمد. جنبش چارتریست‌ها در این کشور (انگلستان) با توافق و یاری رادیکال‌های طبقه‌ی متوسط به‌وجود آمد، اگر چه موفقیت‌اش مرهون توانایی‌های طبقه‌ی کارگر است. انگلستان یگانه کشوری بود که طبقه‌ی کارگرش به اندازه‌ی کافی رشد کرده و متشکل شده بود تا به حق رأی عمومی مفهومی واقعی بخشد.

او (مارکس) سپس به انقلاب فوریه‌ی ۱۸۴۸، به‌عنوان جنبشی که به‌نفع بخشی از پورژوازی و برعلیه حزب حاکم عمل کرده بود، پرداخت. انقلاب فوریه ضمن دادن

وعده‌هایی به طبقات کارگر، (صرفاً) بخشی از طبقه‌ی حاکم را با بخش دیگری جایگزین کرد. طغیان ژوئن، قیام بر علیه کل طبقه‌ی حاکم، از جمله رادیکال‌ترین بخش آن بود. کارگرانی که در سال ۱۸۴۸ افراد جدیدی را به قدرت رساندند، به‌طور غریزی احساس می‌کردند که با تعویض دسته‌ای از ستمگران با دسته‌ای دیگر از ستم‌گران به آنان خیانت شده است.

آخرین جنبش و مهم‌ترین آنان، کمون (پاریس) بود که در مورد آن تنها یک نظر داشت؛ کمون تسخیر قدرت سیاسی توسط طبقات کارگر بود. سردرگمی زیادی در مورد کمون وجود دارد. کمون توانست شکل جدیدی از حکومت طبقاتی را به‌وجود آورد. با نابودسازی شرایط ستم از طریق انتقال همه‌ی ابزار به کارگران مولد و بنابراین اجبار همه‌ی افراد توانا به کار برای امرار معاش، (کمون) پایه‌ی حکم طبقاتی و ستم را از بین برد. اما پیش از این که چنین تحولی بتواند صورت پذیرد به یک دیکتاتوری پرولتری نیاز بود که پیش‌شرط آن یک ارتش پرولتری است. طبقات کارگر می‌بایست حق آزادسازی خود را در میدان جنگ به دست آورند. وظیفه‌ی بین‌الملل این بود که نیروی کارگری را با تشکل و ترکیب آنان برای چنین مبارزاتی در آینده آماده سازد.